

شیوه‌های مؤثر در آموزش خواندن

مهدی مقنی آرانی / کارشناس گفتار و زبان / آموزشگاه استثنایی امید آران و بیدگل

مقدمه

مغز، کلمه‌های به هم ریخته را به صورت جمله ای معنادار وقابل تغییر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۸۲)

یادگیری خواندن فرآیند زنجیره‌ای است که شامل سه زنجیره می‌باشد:

الف) رمز گشایی

رمز گشایی مبنا و پایه‌ای است برای سریع و روان خوانی در کودکان (طباطبایی، ص ۴۵) یا به عبارتی دیگر رمز گشایی یعنی به دست آوردن معنی تک تک کلمه‌هایی که از طریق تشخیص، خصوصیات ظاهری و نسبت دادن معنی به آنها انجام می‌شود. رمز گشایی زمانی اتفاق می‌افتد که خواننده‌ای از روی آگاهی توجه خود را روی کلمه‌های خاص متمرکز کند معمولاً پس از تمرین زیاد حاصل می‌شود. سرعت عمل در رمز گشایی به عنوان یک مهارت مهم خواندن باید مورد توجه قرار گیرد و کسانی که می‌خواهند خواندن را یاد بگیرند لازم است روی چگونگی شکل حرف‌ها، هجاها و کلمه‌ها به منظور بازشناسی آنها تاکید ورزند. (ناعمی، ۱۳۷۹)

خواندن را شاید بتوان مهم‌ترین مهارت در بین مهارت‌های آموزشی دانست. می‌توان گفت تقریباً هیچ درسی نیست که فهم و یادگیری و موفقیت در آزمون آن، کم یا زیاد، به میزان مهارت خواندن دانش آموز وابسته نباشد. حتی اگر از مدرسه و دانشگاه خارج شویم و به زندگی روزمره مردم بنگریم، باز هم مشاهده خواهیم کرد که قسمت زیادی از اطلاعات ما در زندگی از طریق خواندن به دست می‌آید. (زند، ۱۳۸۰)

اما مهارت خواندن یک مهارت پیچیده است و نیاز به آموزش دارد چرا که به محض این که چشمان ما کلمه‌ای را می‌بیند مجموعه‌ی پیچیده‌ای از فرایندهای فیزیکی، عصب شناختی به جریان می‌افتد تا بتوانیم نوشته را معنی کنیم. تکانه‌های عصبی چشم، ناحیه پس سری مغز را تحریک می‌کند و ما می‌توانیم مناطق روشن و تاریک که نشان دهنده‌ی هر حرف است را بینیم. منطقه‌ای در مغز این روند را به پیش می‌برد و حرفی را که می‌بینیم به صوت و آن صوت‌ها را به زبان تبدیل می‌کند. سرانجام بخش دیگری از

ب) درک مطلب (فهم)

و آزرده‌گی وی نیز می‌شود و از اشتیاق وی به خواندن و لذت بردن از آن می‌کاهد. از طرف دیگر چون خواننده‌ی ضعیف در پردازش حرف‌ها و کلمه‌ها مشکل دارد، نمی‌تواند درک صحیح و جامعی از مطلب داشته باشد، زیرا معنی متن غیر از معانی تک تک واژه‌ها و کلمه‌هاست. (ناعمی، ۱۳۷۹)

با توجه به آنچه ذکر شد ما در این مقاله بدنبال پاسخ به این سوال هستیم که: راهکارها و شیوه‌های مؤثر در آموزش خواندن صحیح (روان‌خوانی همراه با درک مطلب) کدامند؟

دومین عمل خواندن، درک کلمه نوشته شده است. درک مطلب به توانایی رمزگشایی و تسلط بر کلمه‌های مشاهده شده بستگی دارد. وقتی تشخیص کلمه به طور خود کار انجام می‌گیرد، خوانندگان بهتر می‌توانند روی معنی جمله‌ها و بندهایی که می‌خوانند، تمرکز کنند. کودکان ضمن خواندن مطالب یاد می‌گیرند که به طور همزمان اطلاعات درون متن را به هم مربوط ساخته، آنچه می‌خوانند را به آنچه از قبل می‌دانستند ارتباط داده و روی آن تمرکز کنند.

ج) یاد سپاری**شیوه‌های آموزش خواندن**

در تاریخ «آموزش خواندن به کودکان» معمولاً از سه شیوه یاد شده است:

۱. **شیوه‌ی الفبایی:** در این شیوه کودکان با نام حرف‌های الفبا آشنا شده و آنها را می‌آموزند (این روش، روش مناسبی به شمار نمی‌آید).

۲. **شیوه کلمه‌آموزی:** در شیوه‌ی کلمه‌آموزی، آموزش مستقیماً بر روی تداعی و اتحاد کلمه‌ها و معانی آنها متمرکز است.

۳. **شیوه صوتی:** که تکیه روی صداهای حرف‌هایی است که کلمه‌ها را می‌سازند و صداها می‌توانند با آن حرف‌ها متفاوت تلفظ شوند. به عنوان مثال حرف «الف» صدای «آ»، «ا» و «یا» می‌دهد.

امروزه رایج‌ترین شیوه آموزش خواندن روشی است که از دو شیوه‌ی کلمه‌آموزی و صوت‌آموزی ترکیب شده باشد (ناعمی، ۱۳۷۹)

عمل‌نهایی در خواندن، به یاد سپردن یا به خاطر آوردن آنچه که خواننده شده می‌باشد. کودکان باید بتوانند محتوای مطالب را نظم بخشیده و خلاصه کنند و بلافاصله آن را به آنچه که از قبل می‌دانستند مربوط سازند. یاد سپاری خواندن، دانش آموزان را قادر می‌سازد، اطلاعات را در حافظه بلند مدت خود نگه داشته و در آینده آنها را به یاد آورده و به کار گیرند (طباطبایی، ۱۳۷۹).

خواننده معمولی و ناتوان به علت آن که از قدرت بازشناسی کمتری در مرحله‌ی رمزگشایی برخوردار است مجبور است، زمان بیشتری را در جهش‌ها و تثبیت‌ها صرف نماید و یا روی کلمه‌ها و حرف‌ها بازگشت داشته باشد و خطای ادراکی بیشتری را تحمل کند این امر علاوه بر آن که سرعت و درک خواندن وی را کند می‌کند موجب خستگی

می‌کند و از دانش آموز می‌خواهد با استفاده از صفات و ویژگی‌های آن شیء (انار) خودشان اسم شیء را ببرند.

۲. بخش کردن کلمه مورد نظر (انار=ا+ نار)

۳. کشیده گفتن صداهای هر بخش

۴. کشف شکل و یا اشکال نوشتاری حرف جدید اَ

۵. خواندن متن درس جدید

۶. به کمک معلم دانش آموز اشکال حروف جدید را استخراج و شکل نوشتاری آن را تجربه می‌کند (کاکو جویباری، ۱۳۸۰).

ب) روش کلی جدید

قبل از پرداختن به توضیح این روش، لازم به گفتن است که این روش دارای ویژگی‌هایی چون توانایی درک مطلب، یادگیری معنادار و آموزش بیش از یک حرف جدید در درس می‌باشد. مراحل کلی روش مانند روش فوق می‌باشد با یک سری تفاوت‌هایی که در زیر گفته خواهد شد.

در سه مرحله اول (انگیزش، بخش کردن و صدا کشی) این روش دقیقاً همانند روش فوق می‌باشد. در چهارمین مرحله یعنی کشف شکل و یا اشکال نوشتاری حرف جدید، یادگیرنده شکل نوشتاری کلیه حروف کلمه، حتی حرف جدید را خودش باید بنویسد. بدیهی است دانش آموزی که برای اولین بار می‌خواهد دو شکل حرف جدید (اَ) را بنویسد و تاکنون تجربه‌ای در این باره ندارد، احتمالاً دچار اشتباهاتی می‌شود و همان طور که می‌دانیم در روش کلی جدید، فرض بر

لیلی ایمن و ثمینه باغچه بان سه روش زیر را برای خواندن و نوشتن زبان فارسی مطرح کرده‌اند:

۱. **روش تحلیلی:** آموزش از جزء به کل می‌باشد. یعنی از جزیی‌ترین عناصر زبان و خط یعنی صداهای، حرف‌ها و هجاها شروع می‌شود و به واحدهای کلی‌تر زبان یعنی کلمه، جمله یا متن گسترش پیدا می‌کند.

۲. **روش کلی:** در این روش بر خلاف روش تحلیلی، آموزش خواندن با شکل کلی کلمه آغاز می‌شود و پس از آموزش تعدادی کلمه، آمادگی ذهن لازم را برای تجزیه‌ی کلمه‌ها در کودک فراهم می‌آورد (در کتاب بخوانیم و بنویسیم سال اول ابتدایی از این شیوه استفاده می‌شود).

۳. **روش ترکیبی:** از ترکیب روش‌های تحلیلی و کلی به وجود آمده است. کل نگری و پیشروی از کل به جزء، خواندن همراه با فکر و درک مطلب، وسرعت در خواندن از روش کلی اقتباس شده و آموختن شکل حرف‌ها و صداهای کلمه تاکید و تلفظ صحیح کلمه‌ها و گسترش مهارت‌های فرد بر شناسایی نقاط جدید نیز از روش‌های تحلیلی گرفته شده است (ناعمی، ۱۳۷۹).

الف) آموزش خواندن به روش ترکیبی (ابداعی مرحوم جبار باغچه‌بان)

این نوع آموزش خواندن شامل ۶ مرحله است که فهرست وار در زیر ارائه می‌کنیم:

۱. ایجاد انگیزه با استفاده از کلمه کلید مثل انار که معلم انار را در جایی از کلاس پنهان

۴. راهنمایی در یافتن تک تک کلمه های جدید
۵. تقسیم کلمه های جدید به بخش (سیلاب) و تنظیم بخش ها برای به وجود آمدن کلمه ای تازه
۶. تکرار و تمرین که شامل این مراحل می باشد :
الف) نوشتن
ب) ساختن کلمه ها و جمله های تازه
ج) شناسایی و تشخیص کلمه ها و بخش های آن .

د) روش لوباخ^۲

این روش در حقیقت نوعی روش ترکیبی است. در این روش شکل هر حرف به نحوی با تصویر شیء خاص که نامش با حرف مورد نظر آغاز می شود منطبق می شود و بدین وسیله به حافظه ی فرد در یادگیری حرف ها و کلمه ها کمک می کند. برای مثال، هنگام تدریس حرف «ن» می توان از کلمه نان استفاده کرد زیرا اولاً این کلمه با حرف «ن» آغاز می شود، ثانیاً شکل این حرف را می توان با تصویر نان منطبق کرد (ناعمی، صص ۱۰۶-۱۰۵).

ه) استفاده از کتاب های آسان

مهم ترین وسیله در رشد و پیشرفت واژگان، خواندن زیاد است. با خواندن زیاد دانش آموز نه تنها با کلمه های تازه در زمینه های مختلف روبه رو می شود بلکه با معانی گوناگون آنها در متن های مختلف نیز آشنا می شود. کتاب آسان به مجموعه داستان های کوتاه، سرودها، ترانه های ساده و شعرهایی گفته می شود که شاگردان با راهنمایی و کمک معلم جمع

این است که دانش آموزان احتمالاً قبل از درس جدید با حرف جدید مواجهه ای غیر مستقیم داشته اند. به هر حال دانش آموز حرف جدید را با اشتباهاتی می نویسد و باز خورد معلم اگر صحیح باشد فرصت اصلاح را تامین می کند. در صورتی که هر نوع باز خوردی نافرجام باشد، معلم می تواند عادت تصویری و کلمه نوشته شده (انار) را یکبار برای چند ثانیه به دانش آموز نشان دهد.

در پنجمین مرحله: یعنی خواندن متن درس جدید همانند روش ترکیبی است با این تفاوت که معلم سعی دارد روزنه های کاهش میزان بخش کردن و کشیده گفتن صداهای هر بخش را شناسایی کرده و اندکی از این نیازها بکاهد. کلمات «انار» «برادر و دارد» چند بار در متن درس بکار رفته است لزومی ندارد به دفعات بخش و صدا کشی کند. در ششمین مرحله یعنی استخراج حرف جدید، در روش کلی جدید، همانند روش ترکیبی، شاگرد این استخراج را انجام می دهد (کاکو جویباری، ۱۳۸۰).

ج) روش ترکیبی مواندیا^۱

این روش شامل مراحل زیر است:

۱. نشان دادن تصویر و بحث درباره ی آن
۲. نوشتن کلمه جدید روی تخته سیاه
۳. تمیز جمله ها پس از خواندن جمله ها و بحث درباره ی آنها: در این مرحله جمله ها از روی کتاب خوانده می شود و تأکید بر این است که همیشه برای گرفتن مطلبی خاص باید به مطالعه ی متون پرداخت.

دانش آموز و معلم در خواندن متن مشارکت داشته باشند (باشعور لشگری، ۱۳۸۲).

۱. روش آموزش دوجانبه^۱

در این روش که بوسیله «بروان» ابداع شد هدف عمده، استفاده از مهارت های شناختی و فراشناختی برای پرورش و افزایش درک و فهم کودکان در خواندن است. در این روش سعی می شود که چهار راهبرد:

الف) خلاصه کردن

ب) سوال کردن

ج) توضیح دادن (روشن نمودن)

د) پیش بینی کردن

مورد استفاده قرار گیرد. فرایند اساسی این روش چنین است که:

" معلم قسمتی از یک متن را برای خواندن معین می کند (معمولاً یک بند) و این را نیز معلوم می سازد که چه کسی مسئول آموزش آن بند خواهد بود، خود او و یا یکی از دانش آموزان. آنگاه معلم و دانش آموزان به آرامی متن انتخابی را می خوانند. بعد از خواندن متن هر کس که نقش معلم را دارد (چه خود معلم و چه یکی از دانش آموزان) متن را خلاصه یا مرور می کند. مشکلات بوجود آمده را مورد بحث قرار می دهند، معنای آن را مشخص می سازند. سؤال هایی از طرف مقابل به عمل می آورند و سرانجام درباره ی متنی که در آینده باید تدریس شود، به پیش بینی می پردازند. تمامی این فعالیت ها باید تا آنجا که ممکن است به صورت گفت و گوهای معمولی انجام شوند. نکته مهم در این جا این است که معلم و شاگردان باید بازخوردهایی از رفتار یکدیگر

آوری می کنند و آنها را با تصویرهای مناسب و رنگ همراه می کنند و در فرصت های مناسب و اوقات فراغت، در مدرسه یا خانه دستاورد خود را می خوانند معلم باید همیشه و در همه حال فهرست کتاب های ساده و رنگینی که مخصوص نوآموزان سال اول تألیف و منتشر می شود تهیه نماید و در اختیار شاگردان قرار دهد (ناعمی، ۱۳۷۹).

۲. خواندن تکراری^۲

این روش به منظور افزایش روان خوانی به کار گرفته می شود. در این روش دانش آموز عبارت های کوتاه و هدفمند را می خواند تا به سطح رضایت بخشی از روانی برسد، با آنکه صحت و سرعت خواندن مورد اندازه گیری قرار می گیرد، در آغاز روی صحت خواندن تأکید بیشتری می شود.

سامونلز روش های چندگانه ای را برای انجام خواندن تکراری مطرح ساخته است:

۱. روش استفاده از حمایت شنوایی:

که در آن دانش آموز در حالی که به صدای نوار ضبط شده ای از عبارت های انتخابی گوش می دهد بی صدا می خواند.

۲. خواندن تقلیدی:

در این روش در حالی که معلم بخشی از متن را با صدای بلند می خواند دانش آموز بی صدا پی گیری می کند و سپس بخش خودش را می خواند.

۳. خواندن رادیویی:

در این روش دانش آموز نقش گوینده را بازی می کند و متنی را برای سایر همکلاسی ها می خواند. زمانی که دانش آموز مضطرب است بهتر است فقط

آموزش داده می‌شود و آنگاه به ترکیب این حروف به یک کلمه تشویق می‌شود (برای مثال، س/گ = سگ). کودک این کلمه را به فهرست کلماتش می‌افزاید و از طریق کسب تجربه می‌آموزد که تناظرهای پیچیده‌ای نویسه-واج را رمزگشایی کند (سلیکوویتز به نقل از مدی، ۱۳۸۱).

ی) روش تجربه کردن زبان

در این روش به جای خواندن مطالب چاپ شده، از زبان خود کودک برای خواندن مطالبش استفاده می‌شود. برای مثال ممکن است داستانی را به معلم بگوید که خود نوشته است و آن گاه به کودک آموزش داده شود که آن را بخواند (سلیکوویتز، ۱۳۸۱).

اغلب اوقات این شیوه در کار آموزش خواندن به کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری بسیار مؤثر می‌افتد زیرا که تلاش آن بر این است تا در یک برنامه آموزشی میان خواندن و سایر مهارت‌های ارتباطی (گوش دادن، صحبت کردن و نوشتن) ارتباطی برقرار کند. امتیاز عمده این روش این است که کودکان نیز به محتوای داستان‌های این روش آموزشی علاقه‌مندند چرا که این داستان‌ها با مطالبی که خود آنها بر می‌گزینند ساخته می‌شود (منشی طوسی، ۱۳۷۳).

ک) روش کل زبانی

این برنامه با در نظر گرفتن چهار هدف به آموزش خواندن به کودکان می‌پردازد. اول: توجه کودک به این نکته که نوشتن می‌تواند

به عمل آورند" (هالاهاان به نقل از جوادیان، ۱۳۷۸).

به طور خلاصه می‌توان گفت که روش آموزش دو جانبه هم به خاطر این که به صورت مشارکتی انجام می‌شود و فرد با دیگران بحث و تبادل نظر می‌کند و هم به خاطر این که در این روش چهار راهبرد، فراشناختی که برای یادگیری یک مطلب ضروری است آموزش داده می‌شود، یک روش آموزشی بسیار مهم برای کلیه دانش‌آموزان ناتوان در خواندن و فهمیدن می‌باشد. استفاده مداوم از این روش هم باعث پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در توانایی خواندن و فهمیدن آنها می‌شود و هم در رشد اجتماعی و عاطفی آنها تأثیر دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۱).

ح) روش بین-بگو

این روش، روش معروفی است که کودک با یک سری تصاویر درجه بندی شده آشنا می‌شود که در آن تعداد محدودی کلمات کلیدی ساده و متداول پیوسته به کار می‌رود. کودک، بازشناسی این کلمات را از طریق دیدن می‌آموزد و بتدریج واژه نامه خواندن خود را گسترش می‌دهد.

معمولاً کودکانی که از این طرح استفاده می‌کنند از قاعده شخصی رمزگشایی تناظر نویسه-آوا بهره می‌برند. گاهی آنها زمانی که با یک کلمه ناآشنایی برخورد می‌کنند استفاده از روش آواهای بنیادین، که در پایین تشریح شده است، تشویق می‌شوند.

ط) روش واج‌های بنیادی

در این روش اصوات حروف به کودک

ل) خواندن به کمک کامپیوتر

برای کسانی که شروع به خواندن می‌کنند و ابتدا مجبورند کلمات به هم پیوسته نوشتاری و آوایی را یاد بگیرند، بسیار مهم است که صداهای مفرد و مجزای آن‌ها، به درستی و به طریقی که قابل تشخیص باشد تلفظ کنند. اینجاست که کامپیوتر، همچون یک ضبط صوت، البته بدون امکان جلو و عقب رفتن نوار، عمل کند. در عوض، کودک می‌تواند به هر قسمت متن ذخیره شده در کامپیوتر که مایل باشد رجوع کند. در این فرآیند، او تنها بخش نوشتاری متن دلخواه را انتخاب می‌کند و می‌تواند با این عمل دوباره به قسمت گفتاری آن متن دسترسی داشته باشد. کودک حتی می‌تواند بخش‌های خاصی از یک کلمه را که تلفظ آن برایش دشوار است، روی صفحه نمایش کامپیوتر لمس کند. در این فرآیند، کامپیوتر پس از لحظه‌ای کوتاه، همان قسمت را صحیح و با صدای بلند تلفظ می‌کند. در این روش دانش‌آموزان قادر خواهند بود با بهره‌گیری از کامپیوتر روند آموزش را با روش خوشایند و مستقل دنبال کنند (میرمن به نقل از خانی‌پور، ۱۳۷۶).

م) روش چند حسی^۱

گاهی به این روش V-A-K-T (دیداری V، شنوایی A، جنبشی K و لمسی T) می‌گویند. این روش‌ها بیش از نگاه کردن صرف به حروف هستند. حس‌های دیگر به کار گرفته می‌شوند: کودک به اصوات گوش

منشا خدمات فراوانی برای آنها باشد. دوم: درک مشخصات حروف نوشتاری. سوم: وضوح در مطالب. چهارم: ایجاد نگرش مثبت به کلمات.

در سال اول اجرای برنامه کل زبانی، کودکان معمولاً زمان یکسانی را صرف خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش کردن می‌کنند و این چهار مهارت به طور جداگانه آموزش داده نمی‌شود بلکه همه آنها مهارت‌های ارتباطی وابسته به یکدیگر تلقی می‌شوند. در مراحل اولیه که مهارت خواندن کودکان هنوز بسیار محدود است، معلم کتاب‌هایی را که معروف به «کتاب‌های پیش‌گویی زبان» هستند به کلاس ارائه می‌کند که این کتاب‌ها طوری است که امکان خواندن داستان را به همراه معلم و یا حتی تلاش برای خواندن را به تنهایی به کودکان می‌دهد. بتدریج که از مدت مدرسه آمدن کودک می‌گذرد و مهارت‌های ارتباطی کودک رشد می‌یابد، کودکان در معرض کتاب‌ها، مجلات و مطالب چاپی متنوع‌تری قرار می‌گیرند. استاندارد می‌گردد که برای این مراحل بهتر است همیشه در نظر گرفته شود این است که مطالب باید برای کودکان مفید و معنی‌دار باشند. بدین ترتیب کودکان از طرق علایق درونی خود برای تقویت مهارت‌های زبانی می‌پردازد و به دور از هرگونه نگرانی حتی پا را فراتر از حد خود می‌گذارند و به طور موفقیت‌آمیزی شروع به خواندن حتی نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن می‌کنند (شیکدانز، به نقل از به پروژه).

به صدا را بنویسد (والاس به نقل از منشی طوسی، ۱۳۷۳).

از آنچه در مورد شیوه های آموزش خواندن گفته شد این نکات لازم به گفتن است که:

۱. برای آنکه نتایج یک راهکار را مشاهده کنیم نیاز به تلاش های زیادی است.

۲. اگر راهکارهای اولیه را که ابتدا امتحان کردیم باعث بهبود در مهارت خواندن نشد راهکار دیگر را امتحان کنیم.

۳. اکثر این راهکارها را می توان با گروه های سنی متفاوت منطبق نمود.

در پایان هم چند راهکار کلی جهت آموزش خواندن پیشنهاد می شود:

۱. بازی با کلمه ها: بازی با کلمه ها و معماها سرگرم کننده هستند و ساختار و گنجینه ی لغات و درک کلمه ها را نیز در فرد افزایش می دهند.

۲. با صدای بلند خواندن.

۳. لذت بخش کردن خواندن: چند بار در هفته اوقات دلپذیری را فراهم کنیم که در آن مدت ۲۰ دقیقه هر کاری را متوقف کرده مطلب جالب بخوانید.

۴. بحث درباره ی آنچه که در کلاس یا خانه خوانده می شود.

۵. از یادگیری به نحو خوبی استفاده کردن. کودکان را یاری کنیم که تا اطلاعاتی را که همان موقع خوانده اند توضیح داده و در مورد آن بحث یا آنها را به کار گیرند (طباطبایی، ۱۳۸۲).

در پایان، لازم به یادآوری است که هیچ روشی به تنهایی پاسخگوی همه موقعیت ها نیست. گرچه روش ها را جداگانه بررسی کردیم اما در موقعیتی واقعی ناگزیر هستیم که از طریق ترکیب روش های

می دهد، حرکت را با دنبال کردن حروف احساس می کند (اغلب با چشم های بسته) و همچنین ممکن است فرصتی به او داده شود تا الگوی سه بعدی حروف را احساس کند (سلیکوونیز، ترجمه احمدی، ۱۳۸۱).

شیوه کلینگهام - استیلمن

این شیوه بر اساس روش چند حسی بنا شده است که معلم به طریق زیر آوانگاری را به کودکان معرفی می کند:

الف) معلم کارت کوچکی را که حرفی روی آن نوشته شده است به کودک نشان می دهد و نام آن حرف را به وی می گوید. دانش آموزان آن را تکرار می کنند به محض آنکه حرف را فرا گرفت معلم صدای آن را برای کودک تلفظ می کند و او آن را تکرار می کند. سپس معلم کارت را مجدداً به کودک نشان می دهد و از وی می پرسد «صدای این حرف چیست؟» و کودک در پاسخ صدای آن را به زبان می آورد.

ب) معلم صدای حرف را از طریق ضبط صوت به کودک ارایه می کند (بدون تصویر) و می گوید چه حرفی این صدا را دارد. کودک در مقابل باید نام حرف را به معلم بگوید.

ج) معلم به دقت حرف را برای کودک می نویسد و شکل آن را برای شرح می دهد. سپس کودک با انگشتان نوشته ی معلم را لمس و آن را دنبال می کند و بعد از روی آن چاپ می کند، سپس آن را می نویسد و در مرحله آخر بدون نگاه کردن به حرفی که بیشتر نوشته شده، آنرا می نویسد. سرانجام معلم صدای آن حرف را ارایه می دهد و از دانش آموز می خواهد حرف مربوط

را مشخص کنیم. آنگاه مناسب ترین روش را که رسیدن به هدف (روان خوانی همراه با درک مطلب) را میسر می سازد، تعیین نماییم.

مختلف روش مناسبی را برای خواندن خود انتخاب نماییم. برای انتخاب بهترین ترکیب، ابتدا باید هدف از خواندن و سپس نوع مطلب خواندنی

زیر نویس ها:

1.Mowandia

3.Repeated reading

5.Look and say method

2.Loubach method

4.Reciprocal teaching

6.Multisensory method

منابع:

با شعور لشکری، مریم (۱۳۸۲) روان خوانی در دانش آموزان با ناتوانی خواندن، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۵۰-۵۲.

بیابانگرد، اسماعیل. شکیا، ابولقاسم، (۱۳۸۱)، تأثیر روش آموزش دو جانبه بر درک مطلب خواندن و رشد اجتماعی دانش آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدائی، منطقه جوین سبزوار، فصلنامه پژوهشی در حیطه‌ی کودکان استثنایی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۵۱.

زندگی، بهمن (۱۳۸۰) خودآموز روش تدریس زبان فارسی دوره‌ی کاردانی تربیت معلم، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

سلیم‌کوتیز، اختلال در خواندن و سایر مشکلات یادگیری، ترجمه‌ی احمدی، علی اصغر، برایتان مسعود، ۱۳۸۱، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

شپکداز، جوریس و همکاران، گام‌های نخستین به سوی خواندن، ترجمه‌ی به پژوه، احمد و جعفری کندی، محمد، (۱۳۸۲)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

طباطبایی، حمیده (۱۳۸۲)، اصول اولیه‌ی خواندن، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۴۴-۵۱.

کاکو جویباری، علی اصغر (۱۳۸۰) روش‌های سوادآموزی در زبان فارسی، پایه اول ابتدایی، انتشارات مشاهیر.

میرمن، هورست، فراگیری خواندن به کمک کامپیوتر، ترجمه‌ی خانی پور، رضا، (۱۳۷۶)، ماهنامه‌ی تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۰۰، ص ۱۱.

ناعمی، علی محمد (۱۳۷۹) روان‌شناسی آموزش خواندن، انتشارات آستان قدس رضوی.

والاس جرالد، مک لافلین، جیمز، ناتوانی‌های یادگیری مفاهیم و ویژگی‌ها، ترجمه‌ی منشی طوسی، محمد تقی، (۱۳۷۳)، انتشارات آستان قدس رضوی.

هالاها، دانیال. پی، کافمن، جیمز، کودکان استثنایی، ترجمه‌ی جوادیان، مجتبی، (۱۳۷۸)، انتشارات قدس رضوی.